

اسلام و ترقیات مادی

خطبیر دنیای کنونی

دنیای امروز دنیای مادیت است ، جهان ماشینی تمام فکر را متوجه زرق و برق زندگی نموده است تمام آرزوها بدنبال این هدف فریبنده است و هر روز و هر ساعت بر فریبندگی این زندگی چیزی افزوده میشود ، و چشم‌های هوسران بآن بیشتر خیره می‌کند تا بجائیکه همه وقت بشر در این باره مصرف می‌کند و بدنبال این روش فضائل انسانی در حال احتضار است .

ساده‌تر بگویم : دنیای ماشینی جانشین همه مزایای روحی گردیده بجای عاطفه و برادری ، جهان بسرعت سرسام آوری بدنبال جمع ثروت میدود آنجا که فکر میکند ، آنجا که می‌رود و جائیکه سر تسلیم فرود می‌آورد ، فقط در برابر کسی است که شهوات او را تأمین کند ؛ و لی فضائل انسانی را در گورستان فراموشی پنهان مینماید . بدنبال این هدف با آنچه که آنرا مانع از رسیدن بغرض خود به بیند می‌جنکد ، و اگر روزی دین را مخالف هوسهای خود بداند ، از مبارزه علیه آن کوتاهی نکرده و باتیرهای تهمت نشانه می‌گیرد حتی بعضی آنقدر در دریای شهوات غوطه‌ورند که مانند ماهیان دریای که جز آب نمی‌بینند جز شهوات چیزی نمی‌فهمند .

این فریفتگان بیچاره دنیا پرست ، دین را مانع سعادت می پندارند ؛ چون سعادت را جز داشتن خانه خوب و وزن زیبا و آپارتمانهای چندین طبقه و اتومبیلهای آخرین سیستم چیز دیگری تصور نمیکنند .

آری با تقویت روح مادیگری ، دنیا پرستان ، دین را جز يك سلسله موهومات که با خوشبختی انسان در جنگ است ، جلوه نمیدهند ، وقوانین الهی را با آبادی دنیا و کار و فعالیت مخالف دانسته و از آن تعبیر به «مخدرات» مینمایند .

اشتباه بزرگ

چقدر این فکر اشتباه است ، قانونگذار الهی ، با دنیای آباد مبارزه ندارد و کسی را دعوت به تخریب آن نمی نماید و از یکطرف هم ثروتمند را از لحاظ ثروت پناه نمیدهد و پشتیبان او نیست . اسلام دین کوشش و آبادانیست ، ولی باید متوجه شد که اسلام روح و جسم را با هم در نظر دارد ، و از فدا کردن روح برای توهمه بعرض و طول جسم بیزار است و واضحتر بگویم : اسلام با داشتن خانه خوب و شهر زیبا و کشور مترقی بطور قطع مخالف نیست ، اما با قربانی کردن تمام فائزات برای داشتن شهر مدرنی مخالفت میکند ، زیرا مملکت برای انسانیت است ، نه انسانی برای مملکت . آبادانی برای آدمی است ؛ نه آدم برای آبادانی . برنامه اسلام را در باره کار و کوشش ؛ توجه بدنی و طرز زندگی میتوان در يك جمله کوتاهی که امام مجتبی (ع) فرموده است پیدا نمود کن لدنیاك كالك تعیش ابدآ ، و کن لاخرتك كالك تموت غدا

پایه زندگی را طوری بردار که با زندگی دائم مناسب باشد ، امامواظب آخرت هم باش که بزودی فرامیرسد .

تأصّف بر اشتباهات

آنانکه بهمه مزایای معنوی پشت پازده فرشته سعادت را در کنار دنیا پرستی می یابند اسلام و دین را مانع مقصود خود میدانند ، و نیز آنانهم که خویش را امتدین می شمارند و از دین بیخبرند ، حتی وقتی هوس تقدس بیشتری دارند ، کناره گیری و

دست کشیدن از کار و کوشش را نشانه قدس میدانند ، بدانند که هر دو دسته پیراهه رفته‌اند ، و هر دو برنامه عالی دین را نفهمیده و با مقیاس و هم خود ، دین را اندازه گیری نموده‌اند .

اسلام دین کار و کوشش است اما با داشتن اخلاق پاک و روحیات انسانی و مملکت فاضله . این کتابهای فقهی ما است ملاحظه کنید ببینید در تجارت و زراعت و سیاست و مملکت داری ، و عبادت و تحصیل مملکت فاضله ، و روحیات عالیه ، برنامه‌ها تنظیم کرده است .

شما ای خواننده عزیز چه یک‌کده را بحساب دین نگذار ما تردید نداریم که اگر جهان روزی از بند خرافات بجهد ، و از افکار متناقض و کبیج کن خود بگنجد می یابد که کلیه رمز خوشبختی تنها در اسلام است و بس .

اینک نویسنده نمونه مختصری از برنامه‌های اسلام را بیان میکند تا روشن شود که اسلام نه تنها با دنیا مخالف نیست ، بلکه دستورات جامعی برای بهبود وضع زندگی مردم داده است منتها اسلام دشمن دنیا پرست است ، با آنانکه معشوقی جز دنیا ندارند می‌جنگد . اینک گوشه‌ای از دستورات اسلام را بزراعت که یکی از شئون حیاتی است از نظر شما می‌گذرانم :

اسلام و کشاورزی

یکی از اساسی ترین ارکان زندگی اجتماعی انسان ، زراعت است ، زارع از خاک تیره بهترین میوه‌ها را بیرون می‌آورد آیا بالاتر از این تولیدی هست ؛ اگر کشاورزی تعطیل شود تمام دستگاها می‌خواهد .

اسلام بیش از حد بزراعت دعوت نموده ، کشاورزان را همکاران انبیاء معرفی فرموده است ، در احادیث زیادی است که تمام پیامبران کشاورز بودند از امام ششم روایتی در این باره نقل شده که ارزش زراعت را بخوبی معلوم میکند ، و ما عین آنرا نقل میکنیم : شخصی ارزش و شخصیت کشاورز را از آن حضرت پرسید امام در جواب فرمود : > الزارعون ، کنوز الله فی ارضه و مالی الاعمال شی . احب الی الله من

الزراعة». (۱) یعنی اینان گنجینه‌های خدائی در زمین هستند، هیچ عملی نزد خدا محترمتر از زراعت نیست.

آری اسرار قدرت حقرا این طبقه فاش میکنند، و اگر فعالیت اینان نبوده، خوشه‌زیرین عنب و حقه یا قوت انار زبان شیوای «سعدی» را بمدح ساخته پروردگاری، نمیکشود؛ و شاید سر اینکه محبوب‌ترین کارها نزد خدا فلاح است همین باشد که کشاورزان علاوه بر تأمین مواد اولیه مورد احتیاج عمومی، از قدرت پروردگار پرده برداری میکنند، و نکتهٔ اینکه انبیاء هم از کشاورزان بودند، شاید همین باشد که زراعت دریچه ایست از شئون تبلیغی الهی، آیا با این وضع چگونه روا است دین اسلام را مخالف با اهتمام وجدیت پنداشت در حالیکه بزرگترین تشویق را از زارعین نموده، حتی غرس درخت را از سعادت مرد دانسته است

دردنیای متمدن امروز از روزهای فرخنده‌ای که چارو و جنجال راه میاندازد، روز جشن درختکاریست ولی آیا در این باره میتواند خود را همگام با اسلام بداند؟

پیشوایان اسلام - هنگامیکه از کارهای تبلیغی فراغت پیدا میکردند - با لباس خشن در زیر آفتاب سوزان عربستان بیل در دست میگرفتند، و عرق چون شبنمی بر برگ از چهرهٔ معصوم نورانی ایشان جاری بود برای پیشروی زراعت و فلاح فعالیت مینمودند بروایت زیر توجه فرمائید تا با زندگی اسلامی بیشتر آشنا شوید.

امام باقر (ع) میفرماید مردی امیر مؤمنان را در راه ملاقات کرد دید خر جینی همراه دارد سؤال کرد در آن چیست؟ فرمود: هسته خر ما است و انشاء الله هر اردرخت خواهد بود حضرتش تمام را با دست مبارک کاشت (۲)، این رویهٔ علی آن راه مرد الهی است که با آنهمه گرفتاریهای اجتماعی و امارت بر مسلمانان و ولع در عبادت از امر خطیر اقتصادی غفلت ندارد.

فقر و بندگی؛ غنی و آزادی

اساس دعوت اسلام بالا بردن سطح ارزش انسان است اصولاً آمدن پیامبران برای این نکته است که بشر تشخیص دهد چه گوهر گرانبهائی است ، و بدانند رابطه با خدا تا چه اندازه در این ارزش مؤثر است .

به همین دلیل با کسانی که شرف و انسانیت را پایمال کنند سخت مبارزه دارد . به حدی که توبه کسی که آزادی را بفروشد قبول نمیکند . لا توبة لمن باع حراً . و چون بانظر واقع بین خود ملاحظه کرده که اگر ملتی در تنگنای فقر گیر کند همه گونه شخصیت را از دست میدهد و در نتیجه بنده دیگران خواهد بود ؛ از این جهت مردم را تشویق باموری که سد فقر اقتصادی را در هم شکند ، مینماید آیا چنین شریعت مآل اندیش ؛ تنبلی را روا میدارد ، و استفاده از مواهب بیشتر طبیعت را ناچیز می شمارد ، ملتی که نتواند زندگی خود را تأمین کند ، شکست می خورد و اصل آزادگی را از دست میدهد ، بالنتیجه زرخیز دیگران میشود ؛ و اسلام آندینی است که مسلمانان را با عظمت خواسته و ارزش و قیمت او را از خانه خدا بیشتر دانسته است .

بنی آدم اعضاء یک پیکرند !

امام جعفر صادق (ع) - المؤمن اخ المؤمن كالجسد الواحد ان اشتكى شيئاً منه وجد الم ذلك في سائر جسده واروا جهامان روح واحدة .

« مؤمن برادر مؤمن است حکم یک جسد را دارد ، هر گاه عضوی از آن بدرد آید ناراحتی آن را در سایر اعضاء خود احساس میکند و روح آنها همه از یک روح است . » « کافی » (از این حدیث روشن میشود که شعر معروف و پرمغز سعدی از کجا گرفته شده است ؟)